تازه‌های اقتصاد
دوشنبه ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۵ شماره ۲۲

همه در یک میدان ایستاده‌ایم

شب گذشته رئیس کل بانک مرکزی به میان مردم حاضر در میدان ولیعصر رفت. میدانی که ۶۵ شب است میزبان مردمی است که با پرچم‌های خود در آن ایستاده‌اند. این کنارهم ایستادن‌ها با پرچم ایران، حالا به یک نماد تبدیل شده است. نماد مردمی که در زیر بمباران و روزهای جنگ و آتش بس، یک پیام را تکرار می‌کنند:«همه برای ایران ایستاده‌ایم»

این واقعیت امروز ایران ماست که همه باید در یک میدان ایستاده باشیم و از ایران به هر شکل دفاع کنیم، همانطور که رئیس کل بانک مرکزی نیز، در حضور مردم میدان وِلیعصر گفت از حضور مردم در تجمعات شبانه، دوماه و خُرده‌ای می‌گذرد و این امر عاملی برای تقویت روحیهٔ مسئولان است. او از تلاش شبانه‌روزی مدیران اقتصادی در تأمین کالاهای اساسی جامعه گفت و اطمینان داد که اتفاقات خوبی در راه است و ایران قطعاً پیروز خواهد بود.

همگرایی ملی با حضور مسئولان در جمع مردم از یکسو، نشانهٔ نزدیکی آنان با سطوح مختلف جامعه و توجه به نیازهای مردم است و از سوی دیگر، از اهداف مشترک مسئولان و ناکام ماندن تفرقه‌افکنان حکایت دارد. وحدت فرماندهان اقتصادی کشور، قاطعانه نشان می‌دهد که رسانه‌ها و افرادی که در اردوی دشمن بازی می‌کنند و قصد ناامیدی مردم را دارند، محکوم به انزوا هستند. این انزوا نه به معنی نفی آزادی بیان، بلکه عدم پذیرش و همراهی تلاش‌های مخرب آنان است. ایستادن مسئولان و مردم در یک میدان، گواهی بر عزم آنان در مسیر پیروزی ایران است و مهم‌ترین پیام آن به نیروهای خارجی نیز همین است: **«همه در یک میدان ایستاده‌ایم»**.

تازه‌های اقتصاد
دوشنبه ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۵ شماره ۲۲



فرصت‌ها و محدودیت‌های سیاست‌گذار برای تأمین مالی اقتصاد در دوران پساجنگ

شیر اعتبار را بی‌محابا باز نکنید

آسیب‌های ناشی از جنگ، هزاران واحد تولیدی را به صف دریافت تسهیلات بانکی کشانده است. وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها در رقابتی نفس‌گیر، هر یک منابع شبکه بانکی را برای حوزه تحت مدیریت خود طلب می‌کنند و فشار بر بانک مرکزی برای خلق اعتبار، لحظه به لحظه افزایش می‌یابد. در چنین شرایطی، تسلیم شدن در برابر این فشار، نه تنها درمان زخم‌های اقتصاد نیست، که می‌تواند به زخمی کاری‌تر به نام ابرتورم بدل شود.

اما در برابر این فشار تقاضای اعتبار، اصول کارشناسی درباره حفظ ارزش پول ملی و هدایت هوشمندانه منابع محدود اعتباری وجود دارد که برای عبور اقتصاد از وضعیت امروز مورد توجه سیاستگذاران باشد، چرا که بدون توجه به آنها، ممکن است اقتصاد کشور از چاله به چاه بیفتد.

بانک مرکزی در برابر دو مأموریت هم‌زمان، اما گاه متضاد قرار دارد: کنترل تورم و حمایت از تولید. نظریه اقتصاد کلان، مهار تورم را وظیفه اصلی بانک مرکزی می‌داند، اما در اقتصاد تورم‌زده ایران، نادیده گرفتن شریان تولید به رکودی فرساینده می‌انجامد.

اعطای بی‌رویه و گسترده تسهیلات، مستقیماً حجم نقدینگی را افزایش می‌دهد. چنانچه این خلق اعتبار متناسب با ظرفیت‌های سمت عرضه اقتصاد نباشد، شکاف میان تقاضای اسمی و تولید واقعی به جهش تورمی می‌انجامد؛ تورمی که بیش از هرکس، سفره مردم و ارزش پول ملی را نشانه می‌رود.

راه‌حل، نه «دریغ کامل» و نه «بازکردن بی‌محابای شیر اعتبار» است. هنر سیاست‌گذار پولی در این است که یک «تعادل بهینه» پیدا کند. به زبان ساده، بانک مرکزی باید نرخ رشد ترازنامه خود را در یک کریدور کنترل‌شده تنظیم کند، جایی که هر واحد پول جدید، صرفاً به شرط بازسازی ظرفیت‌های تولیدی واقعی تزریق شود و سر از بازارهای دلالی و سفته‌بازی درنیاورد. پول باید خرج زخم‌های واقعی تولید شود، نه خوراک اتاق‌های تاریک دلالان.



اقتصاد دیجیتال در خاموشی

کسب‌وکارهای اینترنتی تاکی زنده می‌مانند؟

با گذشت بیش از دو ماه، قطعی و محدودسازی گسترده اینترنت در کشور به یکی از جدی‌ترین چالش‌های پیش‌روی اقتصاد دیجیتال ایران تبدیل شده است؛ چالشی که آثار آن صرفاً به حوزه فناوری محدود نمی‌شود و به طور مستقیم بر اشتغال، جریان درآمدی کسب‌وکارها و حتی ثبات روانی فعالان اقتصادی اثر گذاشته است. اقتصاد دیجیتال که امروز بخش مهمی از فعالیت‌های خرد، متوسط و حتی برخی صنایع بزرگ را در بر می‌گیرد، به‌شدت به دسترسی پایدار به زیرساخت‌های ارتباطی وابسته است و هرگونه اختلال در این حوزه، به معنای ایجاد وقفه در چرخه تولید و خدمات محسوب می‌شود.

تازه‌های اقتصاد
دوشنبه ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۵ شماره ۲۲



عقب‌نشینی خریداران و فشار بر مستاجران

بازار مسکن از دسترس خارج شد

ساعت از ۱۰ شب گذشته است. مرد گوشی را روی میز می‌گذارد و به سقف خیره می‌شود. صاحبخانه پیام داده است: «برای تمدید، اجاره ۶۰ درصد افزایش پیدا خواهد کرد.» زن آرام می‌پرسد: «یعنی باید باز هم اسباب‌کشی کنیم؟» سکوت مرد طولانی‌تر از همیشه است. انگار جواب را می‌داند، اما گفتنش سخت است.

چند کوچه آن‌طرف‌تر، یک زوج جوان از بنگاه بیرون می‌آیند. برگه‌های مدارک هنوز در دستشان است، اما امیدشان از همیشه کمرنگ‌تر شده است. تا پای قرارداد رفته بودند؛ عددها را جمع زده بودند، از این و آن مقداری پول قرض کرده بودند، اما آخرش هم پولشان به اجاره یک واحد آپارتمان نرسید. پسر با خنده‌ای تلخ می‌گوید: «باز هم خانه پیدا کردیم، اما پولش را نداریم.»

با گذر از این روایت‌های روزمره، بازار مسکن در ماه‌های پس از جنگ تحمیلی سوم وارد مرحله‌ای پیچیده‌تری شده است؛ وضعیتی که بسیاری از کارشناسان از آن با عنوان رکود تورمی یاد می‌کنند. در این شرایط، از یک سو قیمت‌ها به‌ویژه در بخش اجاره‌ها فزایش یافته و از سوی دیگر، حجم معاملات به‌طور محسوسی کاهش پیدا کرده است.

عواقب خروج امارات از اوپک پلاس

تصمیم اوپک‌پلاس برای افزودن ۱۸۸ هزار بشکه به تولید روزانه در شرایطی اعلام شد که اقتصاد جهانی، همچنان تحت تأثیر اختلالات عرضه و بی‌ثباتی ژئوپلیتیکی قرار دارد. این افزایش در نگاه نخست عددی کوچک به نظر می‌رسد، اما از آنجا که بازار با شکافی جدی میان عرضه و تقاضا روبه‌رو است، تأثیر آن فراتر از رقم ظاهری‌اش ارزیابی می‌شود.

طبق گزارش آژانس بین‌المللی انرژی، تقاضای جهانی نفت در سال ۲۰۲۶ به حدود ۱۰۳.۲ میلیون بشکه در روز رسیده، در حالی که عرضه جهانی در ماه های اخیر به دلیل بسته بودن تنگه هرمز، محدودیت‌های تولیدی و برخی تحریم‌ها حدود یک میلیون بشکه کمتر از نیاز مصرف‌کنندگان بوده است. از این منظر، افزایش جدید تنها کسری از این شکاف را جبران می‌کند، اما آنچه اهمیت دارد آن است که اوپک‌پلاس به‌جای عقب‌نشینی، نشان می‌دهد همچنان در پی تقویت نقش مدیریتی خود در تنظیم بازار است.

تفاوت این تصمیم با افزایش ۲۰۶ هزار بشکه‌ای ماه گذشته، بیانگر احتیاطی تازه در سیاست‌گذاری تولید است. واقعیت این است که با خروج امارات، ظرفیت مانور اوپک‌پلاس کاهش یافته و سازمان تلاش دارد بدون آنکه بازار را شوکه کند، پیام ثبات و کنترل به معامله‌گران مخابره کند. این سیاست محتاطانه سبب می‌شود قیمت‌ها نه سقوط کنند و نه دچار نوسانات شدید شوند؛ چرا که اوپک‌پلاس در شرایط کنونی بیش از هر زمان دیگر به «مدیریت انتظارات بازار» وابسته است.



ویدیو



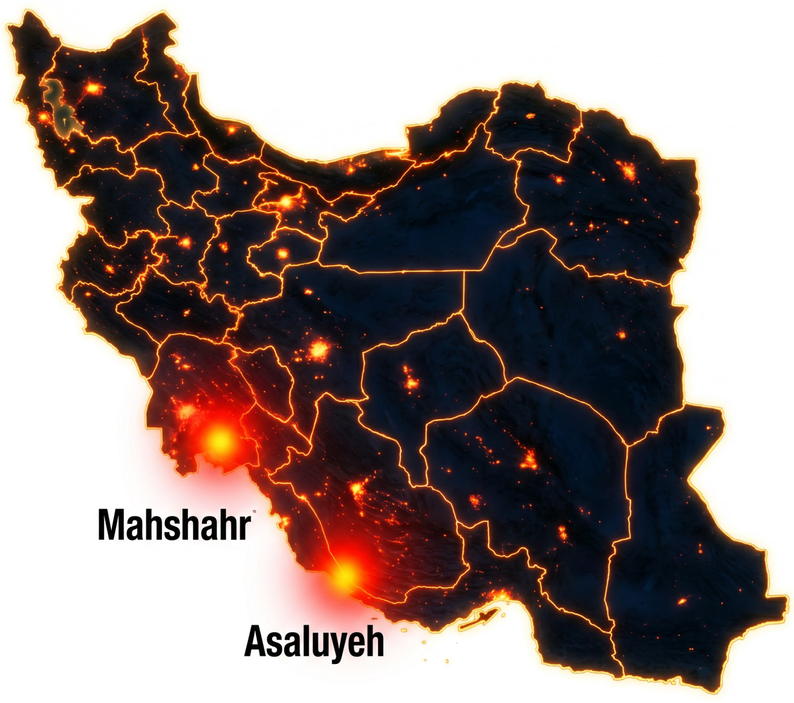




تازه‌های اقتصاد
دوشنبه ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۵ شماره ۲۲

برآورد ۲۷ میلیارد دلاری خسارت حمله به پتروشیمی ها

حملات آمریکا و اسرائیل به پتروشیمی‌های کشور ۸۰ درصد ظرفیت موجود را متوقف کرد. این عدد به معنی ماهانه یک میلیارد دلار عدم النفع حاصل از توقف تولید است. در حالت خوشبینانه خسارت انباشته در یک سال از ۲۲ تا ۲۷ میلیارد دلار برآورد می‌شود. سه مرحله حمله به قلب انرژی کشور اتفاق افتاد که بزرگ‌ترین مجتمع‌های پتروشیمی ایران که در عسلویه و ماهشهر قرار داشتند با اخلال در تولید مواجه شدند.



پس از حمله اولیه به منطقه عسلویه در حمله دوم، بخش برق و قسمتی از مجموعه ماهشهر هدف قرار گرفت در جریان این حمله حدود ۱۷۵۰ مگاوات ظرفیت تولید برق از مدار خارج شد، ساعتی سه هزار تن تولید بخار صنعتی متوقف شد و در نتیجه برق تمامی پتروشیمی‌های منطقه ماهشهر قطع شد. در ادامه حملات واحدهای یوتیلیتی عسلویه یعنی شرکت مبین انرژی که همتای بفجر در ماهشهر است نیز نشانه گرفته شد. مبین انرژی خلیج فارس با ظرفیت تولید حدود ۳۵۰۰ مگاوات برق و بیش از پنج هزار تن در ساعت بخار صنعتی، انرژی پتروشیمی جم، پارس، تبریز، فناوران، اروند، خارک و ده‌ها واحد دیگر را در منطقه ویژه اقتصادی پارس جنوبی تامین می‌کند. طبق برآوردی که وزارت نفت از خسارت به توربین‌های دو شرکت بفجر و مبین ارائه کرده هر یک از واحدها ۱.۸ میلیارد دلار خسارت دیده‌اند. پس از خروج همزمان بفجر و مبین از مدار، صنعت پتروشیمی اکنون با توقف بیش از ۸۰ درصد از ظرفیت تولید مواجه است.



صندوق‌های املاک اوج گرفتند

در معاملات امروز بازار سهام (دوشنبه ۱۴ اردیبهشت) ۲۱۷۳ میلیارد تومان نقدینگی از صندوق‌های درآمد ثابت خارج شد. همچنین امروز ۲۷۱ میلیارد تومان ورود پول حقیقی به معاملات خرد ثبت شد.

ارزش معاملات صندوق‌های درآمد ثابت به ۳۰.۹ هزار میلیارد تومان و صندوق‌های کالایی به ۱۹.۶ هزار میلیارد تومان رسید.

امروز ۱۱۷ میلیارد تومان ورود پول حقیقی به صندوق‌های کالایی داشتیم.

در صندوق‌های کالایی، گروه صندوق‌های زعفران «نهال و سافرون» در محدوده نزدیک به ۳ درصد رشد کرده‌اند.

صندوق‌های املاک و مستغلات نیز امروز در صف خرید قفل شده بودند و در بازدهی ۳ درصدی را کسب کردند و توانستند عنوان پر بازده‌ترین صندوق در معاملات امروز را به دست آورند.

صندوق‌های طلا هم روز خوبی نداشتند و افت ۱.۳ درصدی را تجربه کردند.

صندوق‌های نقره بدترین عملکرد را در معاملات امروز داشتند و بیش از ۴ درصد ریزش کردند.



النازباقرپور، کارشناس پولی و ارزی:

چرا قیمت دلار در جنگ پایین آمد؟

بررسی روند تحولات بازار ارز در بازه زمانی اسفند ۱۴۰۴ تا فروردین ۱۴۰۵، نشان‌دهنده الگویی متفاوت از واکنش‌های سنتی اقتصاد ایران به تکانه‌های سیاسی و نظامی است.

برخلاف تصورات رایج مبتنی بر جهش پایدار نرخ ارز در زمان درگیری‌های نظامی، وقایع موسوم به جنگ رمضان، پیوند میان «ریسک‌های ژئوپلیتیک» و «رفتار معامله‌گران» را وارد فاز جدیدی کرد.

در نخستین روزهای جنگ، نرخ دلار در بازار آزاد به‌طور هیجانی تا محدوده‌ی ۱۶۵ هزار تومان افزایش یافت؛ اما آنچه در ادامه روی داد، خلاف انتظار بسیاری از تحلیلگران بود. نرخ ارز در ادامه جنگ و علی‌رغم تداوم تنش‌ها، ریزشی حدود ۱۵ درصدی را تجربه کرد و به کانال ۱۴۰ هزار تومان بازگشت. این رفتار متناقض، برخلاف نظریه‌های متعارف اقتصاد کلان که افزایش عدم‌اطمینان را با افزایش نرخ ارز همراه می‌داند، نشان می‌دهد که مکانیسم تعیین نرخ در بازار آزاد ایران، اساساً بازتابی از بنیادهای اقتصادی نیست.